

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۵ اگست ۲۰۲۲

"برخاستن از زیر چکک و نشستن در زیر ناوه"

یکشنبه - ۲۳ اسد ۱۴۰۱ - کابل: رسانه ها اعلام داشتند که نهادی موسوم به "شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان" که چندی قبل موجودیتش را اعلام نموده بود، امروز از طریق ویدئو کنفرانس به اصطلاح هیأت رهبری شان، سندی را به نام "منشور شورا" اعلام داشتند که گویا قرار است نه تنها در پروسه نجات افغانستان از سلطه جنایتکارانه طالب و نظام ملاسالار رهنمای عمل شورا باشد، بلکه بعد از نجات نیز آینده افغانستان را بر مبنای آن به بهشت روی زمین- البته برای خودشان- تبدیل نمایند. در یادداشت امروز بحث کوتاهی در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- هر چند خوانندگان گرامی پورتال که در جریان تقریباً ۴ سال گذشته، نگاشته هایم را از نظر گذرانیده اند، از من و مواضع فکری و سیاسی ام شناخت نسبی دارند و می دانند که نه تنها طالب و طالب پرست نیستم و در دشمنی با امپریالیسم امریکا و شرکاء و بقیه دشمنان خلق افغانستان کسی را ثابت قدم تر از خود سراغ ندارم، بلکه از لحاظ عقیدتی کلاً هیچ رابطه و تعلق به اسلام سیاسی و غیر سیاسی آن نداشته و ندارم؛ باز هم خدمت آن تعداد از خوانندگانی که تازه وقت خواندن نوشته هایم را یافته اند، باید بنویسم که مخالفت و دشمنی من با طالب و نظام ملاسالار و انواع حاکمیت ساقط شده و برحال در افغانستان، نه بر مبنای قومیت، نژاد، مذهب و زبان است و نه هم علایق شخصی؛ بلکه با آنها دشمن هستم زیرا عملکرد شان را در ضدیت با منافع ملی و منافع مردمی و بقای کشور می دانم.

بدر نظر داشت این تذکر وقتی در این یادداشت، طالب را "چکک" و به اصطلاح شورای جدید التشکیل "شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان" را ناوه معرفی می دارم، نباید چنان تلقی شود که گویا خواسته ام یکی را خوب و دیگری را بد معرفی بدارم بلکه بر مبنای شناختی که از آنها دارم "بدتر" و "بدترین" را مشخص می سازم. این تفکیک به هیچ صورت نباید به معنای باز گذاشتن درب تأیید و یا همکاری این و یا آن همان طوری که در ختم نگاشته خواهد آمد، تلقی بگردد.

۲- در دنیای مدرن امروز اصل بر آن است که وقتی خواسته باشیم راجع به یک نهاد به خصوص جدید التشکیل بحث و یا صحبتی نمائیم، بحث را می باید از برنامه ها و پلانهای حال و آینده آنها آغاز کرد، مگر در اینجا یعنی در کشور ما آن اصل خوانائی ندارد، زیرا:

شما وقتی بحث تان را از نقد و ارزشگذاری برنامه ها آغاز می نمائید که اولاً شناخت تان از افراد سازنده آن نهاد آنقدر منفی نباشد که اگر به لباس قرآن و یا کاپیتال مارکس هم پیچانده شوند، بوی فسق و فساد، وابستگی و مزدوری آنها از بین نرود و در ثانی، آنهایی که آن برنامه را اعلام نموده اند، خود به برنامه های اعلام شده باور مند باشند. در فقدان این دو اصل، ناگزیر می باید در مورد نهاد و مطالعه طرح ها و برنامه های آنها، به گذشته افراد سازنده چنان نهادی مراجعه نمود و صحت و سقم ادعای شان را بر روایت عملکرد گذشته شان به ارزیابی گرفت.

۳- با حرکت از اصلی که تذکار یافت، برای من و افرادی مانند من که می شود گفت تقریباً تمام عمر خویش را در زمانی سپری نموده ایم که افراد متشکل در "شورای" نام نهاد به شکلی از اشکال یا مستقیماً در قدرت قرار داشته اند و یا شریک و خادم قدرت بوده اند، ارزش مشاهدات و تجربیات شخصی خود ما از عملکرد آنها صد ها بار بیشتر از هزاران صفحه کاغذ ارزشمند تر می باشد.

یعنی وقتی از سال ۱۳۵۷ بدین سو، از افرادی مانند "سیاف، دوستم، محقق، عطا، قانونی، اسماعیل خان، پسران ربانی و مسعود هریک صلاح الدین و احمد که به جنایات پدران شان افتخار می ورزند و آنها را الگوی شخصیت خود می دانند، الماس زاهد" و بقیه اعضای رهبری و گرداننده شورای نام نهاد کنونی، به جز آدمکشی، سرقت، قاچاق مواد مخدر و سنگهای گران قیمت، وطنفروشی، سگ هر سوار شدن و به دنبال هر قدرت بیگانه راه افتادن و دنباله روی کردن، تفرقه افگنی، مال اندوزی، قوم پرستی و هزاران عیب و علت دیگر ندیده باشم، به خصوص دوران حاکمیت آنها را خود در شهر کابل تجربه نموده باشم، باز هم فکر می کنید عقل و منطق به من اجازه خواهد داد تا آنها را بر رویت ادعاهای شان قضاوت نمایم؟

هموطنان گرامی!

از من آزرده نشوید اگر می نویسم **"این همان حماقتی بود که عده ای در زمان مزدوران روس در قبال جهادی ها کردند و این همان حماقتی است که عده ای در مورد طالب حین حاکمیت پوشالی و ساقط شده نوکران امریکا کردند"**. لطفاً از من و امثال من نخواهید که عقل و منطق خویش را کنار بگذاریم و این جنایتکاران را بر مبنای ادعای شان قضاوت کنیم و چشم خویش را بر عملکرد گذشته آنها بسته با حافظه و وجدان تاریخی خود وداع نمائیم. دل بستن و به دنبال این دهاره دزدان، آدمکشان و وطنفروشان رفتن، همان از زیر چکک برخاستن و در زیر ناوه نشستن است و بس.

۴- تجارب تاریخی در تمام جنبش های جهان به اثبات رسانیده که یکی از دلایل و عوامل بقای حاکمیت ها، عدم موجودیت بدیل بهتر، فعالتر، منضبط تر، انقلابی تر و متعهد تر و سازمانیافته تر بوده و در آینده نیز خواهد بود. اینک که طالب بر اریکه قدرت گماشته شده اند، با کاربرد قید "یگانه" صریحاً می افزایم یگانه بدیلی که می تواند نه تنها طالب را به زباله دان تاریخ بفرستد بلکه افغانستان را از وضعیت چهار دهه اخیر نجات داده، آن را در مسیر ترقی، پیشرفت، شگوفائی و رفاه باشندگان با تأمین امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و عقیدتی، قرار دهد، صرف و صرف اعتقاد و کار خستگی ناپذیر در جهت ایجاد سه سلاح خلق به منظور به پیروزی رسانیدن انقلاب رهائیبخش مردمی می باشد.

هموطنان گرامی، اگر واقعاً می خواهید کشور و مردم ما را از وضعیت کنونی نجات دهیم، بیائید رزم آگاهانه ما را با تلاش جهت ایجاد سه سلاح خلق به پیش ببریم.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!